**خارج فقه جلسه 12 - موانع در دست براي مسح - 25/07/1401**

موضوع: **(وجوب برطرف کردن موانع دست- بررسی صور عدم تمکن از مسح)**

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

**مسئله بيست و هفتم: موانعي که در ماسح (دست) وجود دارد واجب است برطرف شود چون اين مانع نمي‌گذارد رطوبت به ممسوح تأثير بگذارد آن‌هم به خاطر دو‌ امر:**

**امر اول: از نظر عرف بايد مسح صدق کند تا امتثال ﴿و امسحوا برؤسکم﴾ صدق کند و با وجود مانع مسح صدق نمي‌کند.**

**امر دوم: واجب است مسح بر بشره باشد که با وجود مانع مسح تحقق پيدا نمي‌کند.**

**مسئله بيست و هشتم: مسح کردن کسي که با کف دست نمي‌تواند مسح کند به خاطر بيماري مثلاً، اما صور آن:**

**صورت اول: درون و باطن دست مانع از کشيدن مسح دارد اما پشت دست مانعي نيست در اينجا فقها مثل صاحب مدارک فرمود که از پشت دست مسح بکشد و اگر پشت دست رطوبت ندارد از ساير اعضا بگيرد.**

**صورت دوم: هم کف دست و پشت دست مانع دارد که به خاطر دو‌ امر است:**

**امر اول: اينکه دست ندارد اينجا با ذراع مسح بکشد و اگر ذراع رطوبت نداشت از ساير اعضا بگيرد به خاطر قاعده الميسور لا يسقط بالمعسور و ديگر اصالة الاحتياط جاري است اما صاحب مدارک قطعي فتوا نداد و اقوي گفته است.**

**امر دوم: براي چنين شخصي که دست دارد اما داخل دست مثل ظاهر دست هر دو معيوب و بيمار است و قدرت مسح ندارد، مرحوم شهيد در ذکري ج ۲ ص ۱۴۱ و در غنيه جناب ابن زهره ج ۲ ص ۳۸۶ فرمودند افضل اين است که با باطن دست مسح کند.**

**اشکال استاد: دليل اين فتوا براي بسيار از فقها معلوم و ثابت نشده است چون قدر متيقن از اجماع و سيره اکتفا به قدر ميسور است و قدر ميسور آنجايي است که مانع نباشد درحالي‌که هر دو دست مانع دارد که اينجا با ذراع مسح مي‌کند.**

**صورت سوم: عدم تمکن مستند به دو چيز است يکي: اينکه دست او فاقد رطوبت است و دوم که اعضاي وضويش خشک شده است که وضوي او باطل است و به عبارت ديگر تمامي اوامر در احکام شرعيه متعلق به طبيعت است که اقيموا الصلاة يعني طبيعي نماز و اغسلوا وجوهکم يعني طبيعي و به قانون اينکه الحق أن الطبيعي يوجد بوجود افراده که وقتي يک طبيعتي در ضمن خودش به مشکل برخورد بايد به فرد ديگرش رجوع کرد تا اين طبيعي در خارج محقق شود لذا بر اين کسي که کاملاً اعضاي مسح او خشک شده و اين فردِ از وضو را از دست داده و مي‌تواند رجوع کند به فرد ديگري يا کسي نماز ظهر را باطل خوانده به فرد ديگر مراجعه مي‌کند چون متعلق امر، شخص و فرد خاص نماز ظهر نيست بلکه طبيعي نماز ظهر است و طبيعي متعلق است.**

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين